

## مقدمه مترجم

اهمیت خراج در نظام مالی اسلام و تشکیلات دولت اسلامی بر کسی پوشیده نیست لذا بررسی و جایگاه آن در تحولات اجتماعی و اقتصادی ضروری است.

محققان برای «خراج، شیوه‌های تحصیل و میزان و مقادیر آن» در تاریخ تمدن اسلامی اهمیت بسیار قائل‌اند. برخی، تحولات گسترده، شورشها یا رشد و پیشرفت تمدن اسلامی را وابسته به وضعیت خراج یا مالیات اسلامی می‌دانند چنان‌که برخی دیگر میان خراج و شکوفایی کشاورزی، یا بالعکس رکود و ویرانی آن ارتباطی انکارناپذیر قائل‌اند.

در این کتاب که رسالهٔ دکتری خانم غیداء خزنة کاتبی است و به راهنمایی عبدالعزیز الدوری، از محققان برجسته تاریخ اسلام، نگاشته شده برای بررسی خراج، محققانه تلاش شده تا ضمن دستیابی به منابع اصیل خراج، کتب فقهی، ادبی، جغرافیایی و اسناد حکومتی مورد تحلیل و ارزیابی قرار گیرد، همچنان‌که برای بررسی نظام مالی شام نخستین بار، پاپیروسهای عربی یونانی نستان (Nessana) مورد مطالعه و تحقیق قرار گرفته است. در عین حال با مراجعه به تحقیقات و پژوهشهای جدید برای درک بهتر حدود و اصول و چهارچوب نظام خراج به نقد و ارزیابی آنان پرداخته شده است.

از ویژگیهای ممتاز این پژوهش می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. در این کتاب می‌توان گفت نویسنده به عمده‌ترین منابع اصیل و شاخص خراج استناد نموده است.
  ۲. نویسنده در ارزیابیهای خود از این منابع به صورت دقیق و روش‌مند استفاده کرده و ضمن بررسی این منابع در تبیین موضوع و ترسیم حدود کلی نظام خراج به ارزیابی کامل و روشنی دست یافته است.
  ۳. در این کتاب ضمن بیان چگونگی شکل‌گیری نهاد خراج و طرح مباحث اصلی آن به تشریح مسائل مهم پرداخته شده، از جمله: تحلیل و بررسی موضوع با بیان آراء و نظریات فقها و نقش آنها در «شکل‌گیری نظام خراج و اخذ آن در جبايه»، «شیوه‌های اخذ جبايه» و «مصارف مالیات اسلامی» و نقش و جایگاه فقها در ترسیم خطوط کلی نظام مالیاتی و درک مسئولیت‌پذیری آنها در ساختار نظام اداری مالی اسلام تا میانه قرن سوم هجری.
- در پایان شایان ذکر است که فصل ششم کتاب با عنوان «اصول شرعی خراج» بنا بر پیشنهاد و نظر صائب همکاران عزیزم که این فصل بیشتر جنبهٔ فقهی دارد و نه تاریخی و رویکرد آن مبتنی بر نظر فقهی برخی مذاهب بدون جرح و تعدیل است، حذف شد. همچنین از همهٔ اساتید و صاحب‌نظران گرامی که این حقیر را با نظرها و پیشنهادهای خود یاری نمودند و نیز همکاران بنده در سازمان «سمت» قدردانی و سپاس‌گزاری می‌نمایم.

حسین منصوری

مهر / ۹۳

## پیشگفتار

### «عبدالعزیز الدوری»

محققان برای خراج در تاریخ حکومت اسلامی اهمیت بسیار قائل‌اند. برخی شورشها و انقلابها را به میزان و روشهای گوناگون جمع‌آوری خراج نسبت می‌دهند و برخی بر این باورند که خراج با رونق و رکود کشاورزی مرتبط است.

بسیاری نیز معتقدند که خراج تکیه‌گاه دولت است و گردش مالی حکومت بر آن متمرکز است. این نظرها خالی از حقیقت نبوده، اما الزاماً هم دقیق نیست.

و بسیاری از محققان به این سخن توجه نموده‌اند که نظام خراج در حکومت اسلامی، ادامه نظامهای اداری پیش از اسلام است. برخی نظام خراج در شام و مصر را ادامه نظام بیزانسی، و عده‌ای دیگر، آن را در عراق و مشرق جهان اسلام ادامه «نظام ساسانی» می‌دانند. این در حالی است که تحقیقاتی به زبانهای بیگانه در توصیف این دو نظام مالیاتی به چشم می‌خورد، بی‌آنکه مطالب قابل توجهی به زبان عربی در دست باشد و به اشکالات این دو نظام اشاره‌ای داشته باشد.

پژوهشهای مربوط به خراج بر نظریات و آراء فقهی پیشی داشته و بر آن تأثیرگذار بوده‌اند، بنابراین کل آثار نگاشته شده درباره خراج، به رغم تفاوتها و نگرشهای گوناگون، آنها را در عمل و نظر از یکدیگر متمایز نساخته است. آنچه این تصور را سست می‌کند، این است که بسیاری از محققان چنین رواج داده‌اند که فقها به دور از واقعیات می‌نوشتند، در نتیجه آنچه می‌نگاشتند، از حد رأی و نظر تجاوز نمی‌کرد. این دیدگاه دقیقی نیست و بیانگر عدم درک نظر و نقش فقهاست.

محقق جدی برای بررسی خراج می‌بایست به منابع گوناگون تاریخی، فقهی، ادبی، جغرافیایی و اسنادی مراجعه کند؛ زیرا هریک از این مجموعه‌ها از شیوه و اسلوب خاصی برخوردارند که پژوهشگر را وا می‌دارد با تلاش بسیار، منابع را خوب بشناسد و تحلیلها، و ارزیابیهای آنها را در این باره درک کند؛ اما بررسی دو نظام «ساسانی و بیزانسی»، مستلزم رجوع به تحقیقات جدیدی است که به زبانهای بیگانه، برای شناخت این دو نظام، در چارچوب بررسی دقیق ریشه‌ها و تعیین اصول آنها انجام گرفته است.

روشن است که مسلمانان در عصر فتوحات و بعد از آن، مفاهیم اسلامی مربوط به زمین و مالیات را آورده‌اند؛ اما در واقع دو نظام متفاوت مالیاتی یافتند: یکی، نظام مالیاتی بیزانسی در شام و مصر و دیگری، نظام مالیاتی ساسانی در عراق و مشرق؛ مهم این است که بدانیم مسلمانان با این واقعیت چگونه روبه‌رو شدند که بعد از مدتی از دو جنبه نظری و عملی توانستند یک نظام واحد مالیاتی در دارالاسلام پدید آورند؟ و این مهم‌ترین و اصلی‌ترین موضوعی است که محقق در دوره شکل‌گیری با آن مواجه است.

از سوی دیگر، بسیاری از محققان صرفاً به بخشی از خراج یا به دوره و منطقه معینی در تاریخ توجه داشته‌اند. لیکن گستره موضوع و مشکلات فراوان ناشی از آن، باعث شد تا به صورت همه جانبه به آن نپردازند. چنین تحقیقی برای ارزیابی کلی بحث خراج و شناخت شکافها و تسلط بر یافته‌های جدید پیرامون خراج ضروری به نظر می‌رسد. چه، ماهیت موضوع یکی است ولی جوانب آن، چنان در هم آمیخته که بدون یک نگاه همه جانبه، بررسی و فهم برخی جوانب آن ممکن نیست.

همه اینها این تحقیق جامع را متمایز می‌کند. محقق کوشیده تا بر منابع و پژوهشهای جدید تسلط یابد و اولین بار از اسناد (پایپروسها) برای بررسی نظام خراج در شام بهره برده و به ارزیابی این منابع و تحقیقات پرداخته است.

در این چارچوب، ابتدا به بررسی میراث ساسانی و بیزانسی پرداخته تا تشکیلات اسلامی در زمان عمر بن خطاب (خلفای راشدین) و سمت و سوی آن را تبیین کنند. در ادامه به تحولاتی می‌پردازد که در عصر اموی و دوره اول عباسی رخ داده تا چارچوب کلی نظام خراج را در دوره شکل‌گیری ترسیم کند. بررسی دقیق موضوع و تغییرات آن مستلزم ارزیابی و نقد روایات و ملاحظه پیوند آن با واقعیت است. چنان‌که نیازمند تجزیه و تحلیل‌های بسیاری نیز می‌باشد.

گرچه در منابع تحقیق، درباره بعضی سرزمینها همچون «سواد» سخن بسیار رفته و درباره برخی بلاد دیگر از جمله شام و جزیره، اطلاعات اندکی در دست است، اما پژوهشگر تلاش کرده تا وضعیت خراج را در این مناطق برای نخستین بار، با تکیه بر برخی روایات و اسناد معاصر، روشن سازد.

محقق به مشکلات زمین و ارتباط آن با خراج توجه کرده و از اینجاست که موضوع را توسعه داده و به بررسی زمینهای «صوافی» که در اصل نوع خاصی از زمین است و با اراضی خراج متفاوت، پرداخته است. از این رو، مسئله مالکیت زمین و وضعیت زمینهای صوافی و تحولات آن را تحلیل نموده تا به چارچوب زمین خراج برسد.

محقق آراء فقها و تغییرات آنها را در دوره شکل‌گیری نظام خراج بررسی کرده و بر به‌کارگیری اولیه و انواع آن توجه داشته است و این امر فهم رابطه عمل و نظر را ممکن می‌سازد و نقش سازنده اجتهاد فقها و ارزیابی آراء آنان را تبیین می‌کند. نقش فقها در ترسیم خطوط نظام واحد و درک مسئولیت‌پذیری آنان برای ساختن نظام اداری اسلامی در خلال این تحقیق به روشنی بیان شده است.

من نمی‌خواهم این مقدمه را بسط دهم یا اینکه در تقدیر از این تحقیق بسیار ارزشمند، زیاده‌گویی یا مدح و ستایش کنم، بلکه آن را به خواننده می‌سپارم و امیدوارم که محقق تلاشهای خود را برای خدمت به میراث عربی اسلامی ادامه دهد.

## مقدمه

در دوره اخیر، تحقیقات و پژوهشهای اقتصادی، بخشی از تلاش محققان و پژوهشگران را به دلایل علمی و عملی به خود جلب کرده است. برخی از پژوهشها به موضوع خراج پرداخته و برخی در جدیت از برخی دیگر متمایز شده‌اند، اما عموماً همه جوانب موضوع را مورد توجه قرار نداده‌اند. شماری از تحقیقات، به جنبه تاریخی موضوع یا برخی بدون در نظر گرفتن جنبه فقهی، به آن توجه نموده‌اند؛ برخی دیگر، تنها به کتب فقها نظر داشته‌اند و یا بدون توجه به رویکرد تاریخی، همان مطالب را دوباره عرضه کرده‌اند. از سوی دیگر، تحقیقاتی در دست است که تنها به اقدامات نظام مالیاتی در دوره‌ای خاص پرداخته‌اند؛ اما تحقیقاتی که موضوع را به‌طور کامل بررسی کند، موجود نیست.

به همین دلیل، این موضوع انتخاب شد تا با نگاهی فراگیر به مسئله، جوانب آن بررسی و عناصر تشکیل‌دهنده آن در دوره شکل‌گیری مشخص شود. این دوره، دوره تأسیس پایه‌های نظام مالیاتی است و شاهد تغییراتی است که با وجود تفاوت میراث عملی به نظام واحد مالیاتی، منتهی می‌شود. همان‌طور که در این دوره مبانی فقهی نظام مالیاتی تثبیت شد، اما انتخاب حوزه جغرافیایی (سواد، شام و جزیره) به عنوان موضوع تحقیق، به تفاوت میراث اداری - ساسانی بیزانسی - برمی‌گردد؛ چرا که با آن می‌توان نقطه آغاز اقداماتی را که خالی از تناقض نیست و تحول آن را به عنوان یک نظام واحد مالیاتی مورد ملاحظه قرار داد.

این تحقیق با برخی مشکلاتی مواجه بود که شاید بارزترین آنها جستجوی دقیق روایات نخستین راویان یعنی «کوفیها»، «شامیها» و «جزری»های معاصر دوره شکل‌گیری یا دوره‌های بعد بود؛ اما مشکل از آنجا ناشی می‌شد که روایات راویان نه‌تنها در منابع تاریخی، بلکه در منابع فقهی، ادبی، جغرافیایی، کتب تراجم و انساب پراکنده بود. لزوماً می‌بایست به تتبع این روایات در هر جای ممکن، پرداخته می‌شد تا بتوان بر شکل‌گیری مالیاتها و تغییرات آنها شناخت کافی یافت.

اما مشکل دوم، تلاش برای به دست آوردن تاریخ دقیق روایات بعضی از راویان بود؛ خواه این روایات به اقدامات پیش از تشکیلات عمر بن خطاب برگردد خواه به تشکیلات وی، که همه اینها مستلزم تجزیه و تحلیل روایات و نقد و ارزیابیهای آنها، برای شکل‌گیری یک اندیشه روشن بود و بر مشکلات کار می‌افزود.

این پژوهش دارای دو محور اصلی است. محور نخست، رخداد عملی است که تنظیم و تغییر خراج را از روزگار عمر بن خطاب تا اواسط قرن سوم در بر دارد. از این رو، به بلاد شام با امید تعیین چارچوب خاص نظام مالیاتی آن در طول بحث قدری اهتمام داشته است، بعد از اینکه ملاحظه شد حق این بخش در نقد و تحقیق و پژوهش از سوی محققان ادا نشده چه بسا به سبب اطلاعات اندک و پراکنده منابع باشد که راه را دشوار و بررسی آن را سخت کرده است، اما پاپیروسهای نصتان که اسناد معاصر آن دوره در ارائه، تصویری قریب از مالیاتها و جبابه آن در عصر خلفای راشدین و امویان است به ما کمک کرده، علاوه بر این تئوفانس (Theophanes) و میشل زورئین (Michel Le Syrien)، اطلاعات سودمندی درباره نظام جمع‌آوری مالیاتها در دوره عمر بن خطاب و امویان ارائه کرده‌اند.

بخشهای دیگر این محور، شامل اداره خراج و مالیاتهای مازاد، سپس وضعیت زمینهای صوافی و تغییر آراء درباره آن و تعیین حدود صوافی است؛ همه اینها جنبه‌هایی اساسی است که بررسی آنها برای تبیین تصویری عمومی از موضوع، ضروری به نظر می‌رسد.

محور دوم بررسی آراء فقها درباره خراج، صوافی و تغییر صوافی در اثنای دوره تحقیق است که بخش مهم آن، به پدید آمدن مبانی فقهی نظام مالیاتی و استقرار آن می‌پردازد.

این دو محور، اساس پژوهش را تشکیل می‌دهند که در واقع مکمل یکدیگرند و به موضوع، وحدت و تصویری جامع می‌بخشند.

کتاب با بررسی منابع و تحلیل آنها برای شناخت وضعیت روایات به لحاظ زمان، مکان، مقدار و امکان اعتماد به آنها، آغاز می‌شود و این کار دشواری است که مستلزم تسلط بسیار بر متون روایات (خصوصاً روایات تاریخی و فقهی) و چگونگی شکل‌گیری یک ایده دقیق، تا حد توان، از سوی روایان و دقت روایات آنها در موضوع است. از منظر دیگر، چنان‌که انتظار می‌رود، اطلاعات منابع ما به روایان کوفه و بصره به سبب نقش آنها در پژوهشهای آغازین تاریخی، محدود می‌شود، اما بیان خواهد شد که علاوه بر روایان کوفه، بصره و مدینه بسیاری از روایات مخصوص شام از روایان اهل شام، آمده است. می‌توان گفت همه اینها در اجرا و عمل در شام همان است که در جزیره رخ داده است.

**فصل اول** به تشکیلات مالیاتی عمر بن خطاب پرداخته و با اقدامات پیش از شکل‌گیری نظام مالیاتی آغاز می‌شود که به تعبیری عهود صلح نامیده می‌شود و حدود جزیه مشترک یا فردی را تعیین کرده است، بدون اینکه چیزی از احکام زمین مقرر شده باشد.

سپس این فصل به بررسی آغاز شکل‌گیری نظام مالیاتی پرداخته است. در اینجا است که خلافت با اولین مشکل واقعی و اختلاف نظر جنگجویان درباره زمین مواجه شده است، زیرا جنگجویان به اعتبار اینکه بلاد مفتوحه غنیمت محسوب می‌شود، خواهان تقسیم آن میان فاتحین، بدون در نظر گرفتن سایر مسلمانان بوده‌اند. حال آنکه خلافت در این امر جهت‌گیری خود را به اعتبار اینکه زمین فیء به عموم مسلمین اختصاص دارد، نشان داده است و غنیمت را تنها بر اموال منقول خلاصه کرده است.

سپس این تحقیق به بررسی ریشه‌شناختی واژه خراج و کاربرد آن می‌پردازد تا بیان کند که این واژه در زبان عرب غریب و نامأنوس نیست و چنان‌که در قرآن کریم آمده است به معنای اجر و رزق و یا به معنای مشترک اجر و جزیه است که در سنت نبوی آمده است. به این معنای، معنای دیگری اضافه شده و آن مالیات زمین در روزگار عمر بن خطاب است.

این تحقیق به اقدامات عمر بن خطاب در سواد می‌پردازد و به مسیر تشکیلاتی اشاره دارد که خلافت، پس از فتوحات پیموده و عبارت بود از مساحی سواد و میزان خراج زمینهای زراعی گندم و جو که به تدریج شامل محصولات دیگر نیز می‌شد. جهت‌گیری عمومی در سواد ابتدا به پرداخت خراج به صورت نقدی و جنسی با هم و سپس به تمایز میان مالیات اراضی دایر و بایر می‌پردازد.

تحقیق حاضر به گزارشهای بعضی از منابع درباره اقتباس عمر بن خطاب از نظام مالیاتی ساسانیان اشاره دارد، اما در نهایت آن گزارشها به روایات موثق یا جدی مستند نیست و اقدامات و تشکیلات عمر بن خطاب اساساً از مفاهیم اسلامی جزیه و فیء نشئت گرفته و گاه اطلاق خراج بر محصولات مختلف، برای پایان دادن به این مناقشات بوده است.

سپس تحقیق به اقدامات عمر بن خطاب در شام می‌پردازد. نخست، به موضوع آجناد عربی و تفاوت این آجناد با ولایات بیزانسی ورود می‌یابد تا به همان شکلی که در سواد صورت پذیرفت، به شکل‌گیری نظام مالیاتی بر اساس مساحی عموم زمینها و سرشماری مردم برسد. در ادامه ابتدا به تعیین حکم جزیه مرکب برای اهالی روستاها و شهرها به دو صورت نقدی و عینی پرداخته است که بعدها در جزیه شهرها تجدید نظر صورت گرفت و بر حسب منابع مالی مالیات‌دهندگان به صورت نقدی و چند مرحله‌ای شد؛ اما می‌توان گفت مقدار خراج با توجه به ماهیت سرزمینهایی که وابسته به باران هستند، مشخص نبود. بار دیگر در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که تا چه اندازه، عرب از نظام مالیاتی بیزانسی بهره برده است؟ پاسخ به این سؤال، بی‌تردید روشن است. چرا که ماهیت نظام بیزانسی، به طور مشخص در قرن میلادی آشکار شد و در همین قرن بود که تعهدات مالیاتی بیزانسی برای زمین و فرد یکی شد و تفاوتی میان مالیات سرانه و مالیات زمین وجود نداشت، حال آنکه عرب دو مالیات مجزا، جزیه برای سرانه و خراج برای زمین، مقرر داشته بود.

فصل اول با تبیین اقدامات عمر بن خطاب در جزیره پایان می‌یابد با از این حیث که نظام مالی خراج بعد از فتوحات آمده است و اینکه حدود این خراج مشخص نبود، بلکه به توان و استطاعت بستگی داشت.

فصل دوم اقدامات [مالیاتی] امویان را بررسی می‌کند که غالباً ادامه اقدامات عصر عمر بن خطاب با تغییراتی است که مقتضای شرایط دولت اموی اقتضا می‌کرده است.

بخش اول این فصل، اقدامات امویان در سواد را تشریح می‌کند که با مساحی و بهینه‌سازی بعضی از زمینها و سازماندهی زراعت آن آغاز می‌شود. در این عرصه، نقش خَجَاج کاملاً واضح است. وی برای بازگرداندن کشاورزان فراری، به روستاهایشان، بر آنها سخت گرفت تا وضعیت بحرانی خراج و نابسامانی آن را بهبود بخشد؛ لیکن عمر بن عبدالعزیز متأثر از عصر هجرت به تعیین خراج پرداخت و توجهی به آمد و شد کشاورزان نداشت، بلکه تأکید وی بر این بود که خراج از زمین اخذ می‌شود و تنها صاحب زمین آن را پرداخت می‌نماید و اگر کشاورزی، آن را رها کرد، از اهالی روستا کسی آن خراج را بپردازد که زمین را زراعت می‌کند، یا کسی که زمین را دولت، به وی واگذار کرده باشد. در زمان عمر بن هبیره، عامل یزید بن عبدالملک، برای بار دوم مساحی سواد برای تجدید بنای نظام مالیاتی خراج و شاید افزایش مالیات آن، با توجه به شرایط دولت جدید، انجام شد.

بخش دوم این فصل، به اقدامات امویان در شام می‌پردازد. در اینجاست که محقق با مشکل اصلی که همان فقدان اطلاعات لازم در مقایسه با سواد است، مواجه می‌شود؛ مثلاً از پاپیروسهای نصتان چنین فهمیده می‌شود که تشکیلات امویان از زمان معاویه مقررات مالیاتی عصر فتوحات و اخذ مواجب را در چارچوب جزیه حفظ کرد. اما پرداخت مالیات مقرر به صورت نقدی نه تنها الزامی نبود، بلکه اختیاری بود. عبدالملک بن مروان به شیوه اسلافش جزیه روستاها را به صورت نقدی - عینی می‌گرفت تا اینکه آن را تعدیل نمود و جزیه روستاییان را به صورت نقدی مقرر کرد. ظاهراً این کار، همان تعدیلی است که مؤلف *التاریخ المنحول* (که منسوب به دیونسیوس تلمحری است)، بدان اشاره دارد. به عبارتی، اقدام عبدالملک همان جزیه واقعی بوده است، چرا که عبدالملک مالیات زمین را افزایش می‌داد تا جایگزین عقب‌گشت ظاهری درآمد گردد، که این وضعیت به دنبال نهبان شدن صوافی و اجازه خرید و فروش زمین خراجی به وجود آمد. حال آنکه این افزایش مورد قبول واقع شد و نزدیکی یا دوری زمینها را به بازار لحاظ کرد. بنابراین می‌توان گفت که اقدامات عبدالملک اهمیت دادن آشکار به نقود در تحویل مالیات، متناسب با شرایط دولت بود تا یک اصل در تعامل مالی گردد.

در ادامه این فصل، به اقدامات امویان در جزیره می‌پردازد و به نقش معاویه در تعمیم جزیه نقدی بر همه شهرهای جزیره و سپس به نقش عبدالملک در تعمیم آن به روستاییان و قریه‌ها اشاره دارد و بعدها عمر بن عبدالعزیز آن را تعدیل نمود و بر حسب امکانات مالی پرداخت کنندگان آن را به صورت نقدی و چند مرحله‌ای تبدیل کرد. قابل ذکر است که در اینجا اقدام به تعدیل‌های پیاپی آن دوره، ضرورتاً به معنای تعیین مالیاتهای جدید و یا افزایش مالیاتهای مقرر نیست، بلکه به معنای کنترل مالیاتها و متناسب گرداندن آنها با اوضاع بوده است.

این فصل نیز با اشاره به مالیاتهای اضافی پایان می‌یابد که این مالیاتها را برخی از کارگزاران خراج بر مالیات‌دهندگان مقرر نمودند و عمر بن عبدالعزیز آن را از سرِ رأفت و عطوفت بر مردم ملغی کرد.

و فصل سوم اقدامات مالیاتی عباسیان در سواد، شام و جزیره است. با این توضیح که بخش اول به اقدامات آنها در سواد و مشخصاً تغییر نظام خراج از مساحت به مقاسمه می‌پردازد. در اینجاست که آراء فقها و پیشنهادهای کاتبان و وزرا درباره فعالیت نظام جدید برای اصلاح اوضاع خراج و تحویل آن آشکار می‌شود و این پرسش باقی می‌ماند که تا چه اندازه دولت در عمل به آن در سواد ملزم بوده است. از دو فهرست قدامه بن جعفر و ابن خردادبه روشن می‌شود که نظام مقاسمه در همه سواد اعمال نشد، بلکه اجرای آن در مناطق فراوانی ادامه یافت که خراجشان را نقدی و عینی پرداخت می‌کردند.

بخش دوم پژوهش به‌طور خاص به بررسی اوضاع اداری و مالی شام در آن دوران پس از اینکه از ولایات عباسیان شد، می‌پردازد. در این زمان بود که شورش فراگیر شد و تنش استمرار یافت. این بدان معناست که اجرای سیاست شفاف اداری ناممکن بود. در آن عصر اقدامات تعدیل مالیات در روزگار منصور، مأمون و متوکل در شام نیز قابل توجه بود. آن اقدامات در ظاهر برای مالیات‌دهندگان عدل و انصاف به ارمغان آورد، اما به شکلهای مختلف سبب ظلم مضاعف شد. منصور خود، عنایت خاصی

داشت تا مانع تجاوزگریها به حقوق بیت‌المال و تثبیت وضعیت خراج زمینها گردد، چنان‌که عمر بن عبدالعزیز این‌گونه می‌خواست. رشید تلاش کرد که بر کشاورزان فلسطینی بعد از اینکه از سنگینی خراج شکایت کردند، آسان گیرد، اما بقای این اوضاع و احوال در بعضی مناطق همچون دمشق باعث عکس‌العمل خشونت‌باری شد که به وضوح آن را در شورش ابی هیذام مری می‌توان دید. مأمون به بررسی این وضع و کاهش خراج شام پرداخت. سپس تعدیل مالیات دمشق در روزگار متوکل برای افزایش بار مالیات بر اهالی آن فرا رسید که تجدید نظر در تصمیمات و برچیدن برخی شیوه‌هایی که مردم را به دادخواهی از آنها واداشت، ضرورت یافت.

بخش سوم به بررسی اقدامات مالیاتی جزیره می‌پردازد که تصمیمات تعدیلی روزگار منصور را در بردارد. به نظر می‌رسد هدف وی افزودن خراج بوده است که باعث مهاجرت و تخلیه ساکنان آن گردید. بنابراین دولت تدابیر مؤثری برای بازگرداندن مهاجرین به قریه‌هاشان اتخاذ نمود که سخت‌ترین این اقدامات داغ کردن (نشان کردن با سرب) گردن و دستها و پشت آنها بود. اوضاع جزیره در دوران هارون‌الرشید با تلاش وی برای مقرر کردن مالیات نقدی ثابت، بر محصولاتی که غالباً با توجه به نرخها یا تولیدکننده در معرض تغییر بود، پیچیده‌تر شد. سپس مأمون تلاش کرد خراجی را که بر مردم مقرر شده بود، یکجا بگیرد که بعد از اعتراض مردم و اصرار آنها مبنی بر چند مرحله‌ای کردن خراج که در زمان هارون‌الرشید به توافق رسیده بودند، از آن صرف نظر نمود.

بخش چهارم از فصل سوم به موضوع مالیاتهای مازاد آن دوره می‌پردازد که در مجموع فشارهای مالیاتی جدیدی بود که با نظام مقاسمه در کنار بار مالیاتی پیشین ظاهر شد.

فصل چهارم به نظام اداری مالیاتها و تنظیم آن می‌پردازد. بخش نخست، سیاست خلفای راشدین و امویان و عباسیان در قبال زمین و زمین‌دار را بررسی می‌کند که غالباً اصول آن عدم زیان به زمین یا زمین‌دار با حفظ سلامت درآمد خراج و مراعات شرایط متغیر هر دوره‌ای است.

بخش دوم به موضوع اداره مالیاتها و شیوه‌های جبايه می‌پردازد و در ادامه تحقیق، مهم‌ترین دیوانهای بیت‌المال، خراج، هزینه‌ها و مدت اجرای آنها توسط عرب و عجم قبل از تعریب را توضیح می‌دهد که با اجرای تعریب دیوانهای خراج از سوی تشکیلات مستقل عربی، این دیوانها جایگزین دیوانهای قبلی گردید.

بخش سوم از این فصل، شروط گزینش کارگزاران و مأموران مالیاتی را بیان می‌کند که در آن خلفای راشدین متوجه عملکرد کارگزاران و مأموران امین و پاک شدند. امویان اطاعت و فرمانبرداری، و شروط دیگری شامل عملکردها و مهارتهایی که شرایط آن دوره اقتضا می‌کرد، همچون مدیریت خوب، تشکیلات سالم، افزون بر آگاهی از علوم و حساب را به آنها افزودند. اما عباسیان، شروط دیگری را که برای مأموران مالیاتی لازم و با تشکیلات سازمانی آنها متناسب بود، همچون آگاهی از قوانین زمینها و مساحتها و اطوال و مقایسه و انواع غله، و امور آبیاری را به آن اضافه نمودند.

بخش چهارم، به تحقیق درباره جبايه خراج با ارائه میزان افزایش خراج در سواد و شام و جزیره در روزگار خلفای راشدین و امویان و عباسیان پرداخته است، و به تحلیل فهرستهای خراج جهشیاری و ابن فقیه، ابن خلدون و خلیفه بن خیاط در عصر هارون‌الرشید با هدف بررسی افزایش درآمد آن مناطق نیز پرداخته است. سپس به ارزیابی فهرست قدامه بن جعفر در روزگار مأمون و فهرست ابن خردادبه در روزگار معتصم پرداخته است. این بخش همچنین به برخی جوانب جبايه خراج، در روزگار متوکل و معتضد، همچون تعدیل موعد جبايه برای به ثمر رسیدن غلات می‌پردازد.

فصل پنجم، صوافی را بررسی می‌کند و آن هر زمینی است که هنگام فتح بی‌مالک باشد که در آغاز صوافی، فیء جنگجویان به حساب می‌آمد. بررسی صوافی برای شناخت وضعیت آنها در ارتباط با زمین خراج ضروری به نظر می‌رسد. چنان‌که ملاحظه شد، صوافی در آغاز به جنگجویان تعلق داشت، سپس از زمان معاویه به بیت‌المال تعلق گرفت و خلیفه صلاحیت تصرف در آن را از اختیارات خود دانست. در زمان عبدالملک زمینهای خراجی که صاحبان آنها مردند و وارثی نداشتند، به صوافی اضافه شدند و

گستره آن اقطاع را همچون صوافی در برگرفت. عمر بن عبدالعزیز که روی کار آمد برای بهره بردن از صوافی تلاش کرد و آن را در وضعیتی همانند وضعیت زمین خراج قرار داد تا منبع مالی ثابتی برای دولت گردد؛ اما رویه وی فقط تا زمان منصور ادامه داشت که اراضی خراج و صوافی بعد از مساحی شام شکل گرفت و صوافی عموماً مثل زمین خراج منبعی ثابت برای درآمد شد.

در این تحقیق به این نتایج دست می‌یابیم:

. عمر بن خطاب در جزیه و فیه با استفاده از تاریخچه اداری محلی در برخی شاخصهای اداری، اساساً به مفاهیم اسلامی استناد کرده است.

. گرچه تدابیر عملی در سواد، شام و جزیره متفاوت بوده است، اما سمت و سوی آن تشکیل یک نظام واحد مالیاتی بود. چنان‌که در اواخر عصر اموی و عصر عباسی اول آشکار گردید و اساساً متأثر از مفاهیم اسلامی و تعریب [دواوین] بوده است.

. فقها برای نهادینه کردن اصول شرعی مالیاتها، از مفاهیم اسلامی (در جزیه و فیه)، و اقدامات راشدین و تعلیمات عمر بن عبدالعزیز بهره برده‌اند، که اینها نشان از پیوند استوار میان آراء فقها و تجارب عملی دیگران است.

. وضع صوافی متحول شد تا از نظر شکل و تکلیف همچون زمین خراج گردد.

در آخر باید از استاد بزرگوارم دکتر عبدالعزیز الدوری سپاسگزاری کنم که استاد راهنمای من در این رساله بود. این رساله حلقه‌ای مکمل از سلسله حلقه‌های علمی زیر نظر ایشان گردید.

با سپاسگزاری و ادای احترام به استاد بزرگوارم.

غیداء عادل خزنة کاتبی